

علا محلی همدان

(دکتر در تاریخ هنر - دانشیار دانشگاه تهران)

هنر ساکنین فلات ایران از آغاز پارینه سنگی تا آغاز تاریخ

آغاز فضای زیست انسان در ایران

هنر دوران های پارینه و میان سنگی

از آغاز حیات تغییرات جغرافیائی فراوانی روی کره زمین حاصل شده است. دگرگونیهای عظیم موجب گردید که سطح زمین قرن‌ها از یخ پوشیده باشد فصل باران ابتدا در قاره آسیا آغاز گردید و یخ‌ها ذوب شد و آثار حیات پدیدار گشت ولی قاره اروپا همچنان زیر توده‌های عظیم یخ باقی ماند و بدین جهت پیدایش انسان را برای اولین بار در قاره آسیا محتمل دانسته‌اند.

آب و هوای آسیای میانه در گذشته دور بسیار معتدل‌تر و دریاچه‌ها و رودهای آن به مراتب پر آب‌تر بود رود جیحون به دریاچه آرال نمی‌ریخت بلکه به دریای خزر می‌پیوست محتملاً از دوره پارینه سنگی تا کنون در حدود دویست کیلومتر به درزای خاک بین‌النهرین بعثت رسوب مواد رودخانه‌ها افزوده و از خلیج فارس کاسته شده است.

زمانی حتی خلیج فارس تا شهر موصل یعنی شمال بین‌النهرین ادامه داشت، در مرکز فلات ایران دریاچه‌های عظیم و رودهای پر آب فراوان بود، بنظر میرسد که دریاچه رضائیه، دریاچه قم، دریاچه نی‌ریز و دریاچه

هامون بازمانده‌های دریائی بسیار وسیع بوده باشند که احتمالا به خلیج فارس متصل بوده است باقیمانده جانوران دریائی که متحجر و فسیل شده‌اند در ارتفاعات مرکزی ایران و حتی در نواحی البرز مجاور تهران مطلب فوق را اثبات مینماید.

بعد از مدتی طولانی آب و هوا تغییر کرد و دورانی پیش آمد که تا با امروز نیز ادامه دارد. قلت تدریجی باران و ارتفاع سطح دریاچه‌ها سبب کندی جریان رودها و کاستن آب آنها گردید. فرآورده‌های رسوبی رودها بخصوص در مصب‌های خود بتدریج موجب تشکیل دشت‌های کوچک و بزرگ شد که در میان کوهها و دره‌ها حایل گردیده و ساختمان طبیعی خاک ایران را بوجود آوردند. بومیان ایران یا در داخل شکافهای دامنه‌های پردرخت کوهها که باشاخه‌های درخت بر روی آنها سقف بسته بودند، زندگی میکردند و یا اینکه در غارها و پناهگاههایی که در شکم کوهها قرار داشته و زمانی بستر رودهای بزرگ بود، برای خودشان جایگاهی ترتیب داده بودند.^۱

با تشکیل دشت‌ها و ایجاد خشکی‌های معتدل این بومیان بتدریج به نواحی خوش آب و هوا روی آوردند.^۲ بدین سبب محتمل است که تمدن از آسیای میانه و بخصوص فلات ایران آغاز شده و ابتدا بجانب شرق، چین و منچوری و سپس بجانب غرب بین‌النهرین و کناره شرقی دریای مدیترانه و خاک اروپا رسیده باشد.

در عصر پارینه سنگی یعنی قدیم‌ترین دوره فعالیت‌های اقتصادی بشر باتش دست یافت و زندگی اقتصادی بر اساس ساختن اشیاء

۱- مراجعه شود به ص ۱۱۱ کتاب سعیدنقیسی، تاریخ اجتماعی ایران در دوران پیش از تاریخ و آغاز تاریخ تهران، ۱۳۴۲.

۲- مراجعه شود به صفحه ۴۱ کتاب Barthel Hroudal, Vorderasien I
Mesopotamien, Babylonien, Iran und Anatolien München, 1971.

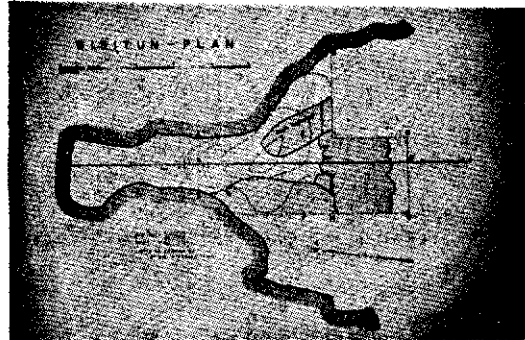
سنگی ساده و شکار قرار داشت . در غاری در جنوب گنبد قابوس آثار انسانهای شصت الی چهل هزار سال پیش و در غار کنجی و غار خر آثاری از انسانهای چهل الی سی و پنج هزار سال پیش ملاحظه گردیده که گواه فعالیت‌های اقتصادی انسانهای دوره پارینه سنگی فلات ایران است .

در اواخر دوره یخبندان Pleistocene انسان نئاندرتال^۳ درخاک حالیه ایران زندگی میکرد^۴ نمونه استخوان‌های این انسان درغار بیستون کشف شده است^۵ (تصاویر ۱ تا ۳) .
پیدایش کرگدن، اسب و فیل دراین دوره حاکی از آب و هوای



تصویر ۲
ماکت غار بیستون
حفره غار از بالا

از کتاب کارلتون س . کون

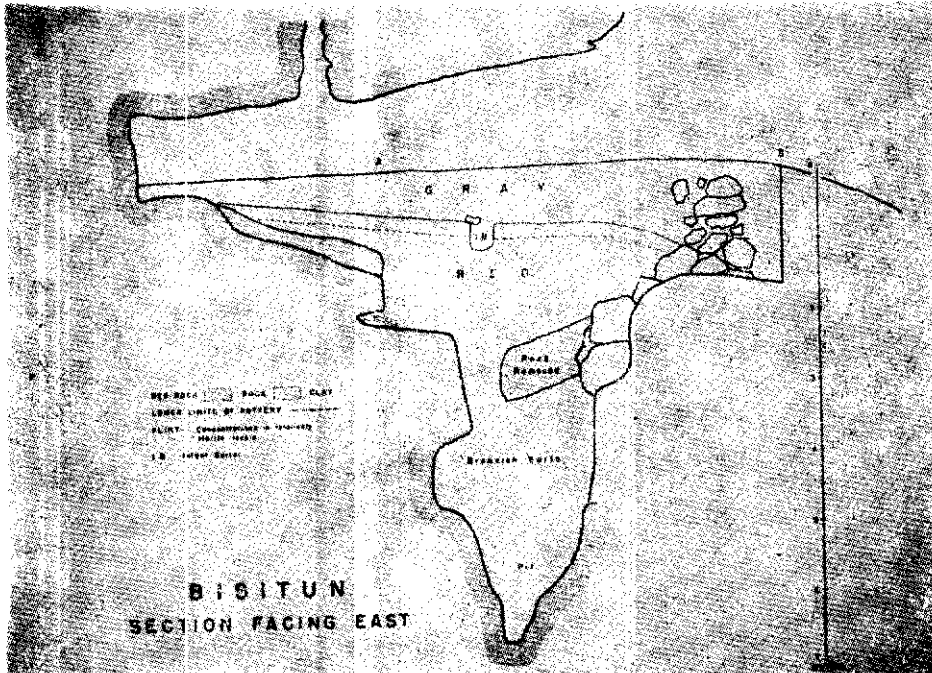


تصویر ۱
نقشه غار بیستون
از کتاب کارلتون - س . کون ص ۱۳

3- Neandertal

۴- مراجعه شود به ص ۸۹ کتاب Carleton S. Coon, Cave Explorations in Iran 1949. Philadelphia, 1951 .

۵- در شانی در Shanidar (کردستان عراق) کاراین Karain (جنوب غربی ترکیه) و درکوههای کارمل Carmel نیز آثار انسانهای نئاندرتال را یافته‌اند .



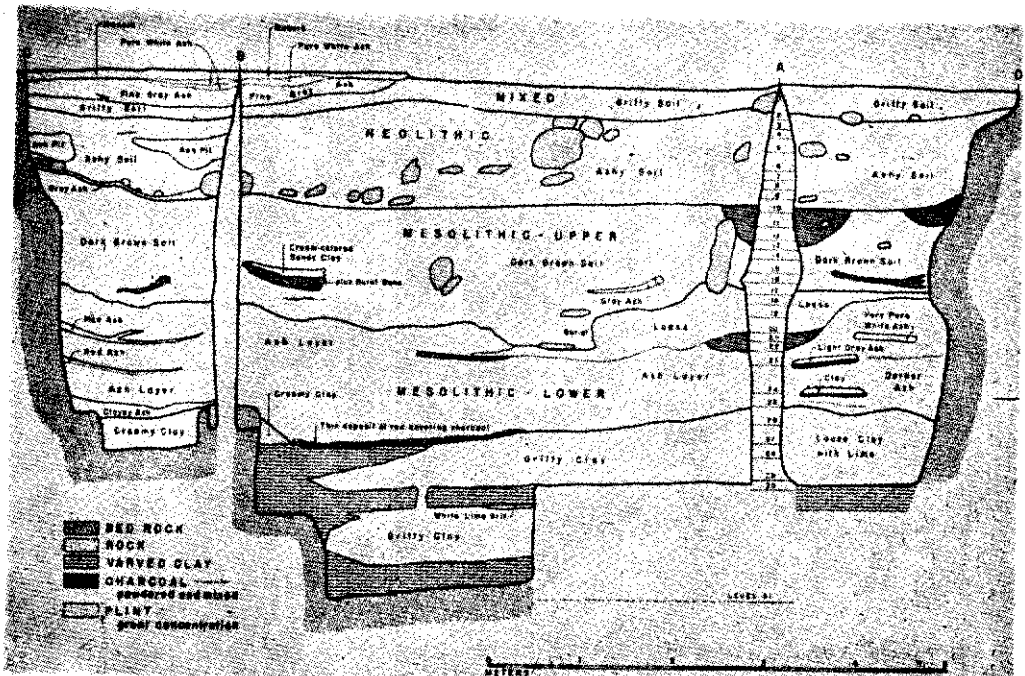
تصویر ۳
مقطع غاریستون

از مقاله پرفسور کارلتون - س. کون ص ۱۴

معتدل و نشانه ذوب یخهاست هنگام آب شدن یخها و بارشهای فراوان، انسانهایی که در محوطه آزاد یعنی دشتها بسر می بردند مجبور شدند به غارها، پناهگاهها و شکاف کوهها روی آورند.

در اواخر دوره پارینه سنگی و اوائل میان سنگی انسانهای هوموساپین^۶ در نواحی معتدل دریای خزر یعنی غارهای کمر بند و هوتو زندگی میکردند (تصاویر ۴ تا ۸). در این هنگام هوا مجدداً معتدل گردید و انسانهای نئاندرتال و هوموساپین بتدریج به محوطه ها و دشتهای باز بازمی گشتند ولی استفاده از غار بعنوان مسکن ادامه

۶- Homosapien

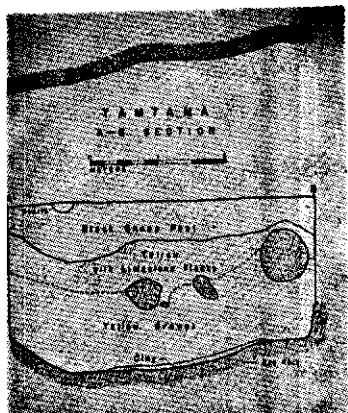


تصویر ۸

مقطع غار کمرینه که برای کاوش روشن شده است
از کتاب کارلتون - س. کون ص ۳۰

می یافت - علت این وضع احتمالا برای این بود که غارها محلی امن در مقابل حیوانات وحشی و دشمنان مردم غارنشین بود. خروج از غار و زندگی در محوطه های باز راه را به تدریج برای استقرار آدمی هموار نمود. زندگی اقتصادی این انسانها براساس شکار و گردآوری غذا قرار داشت ابتدا شکارچیان و گردآوران غذا خانه بدوش و از محلی به محل دیگر سرگردان بودند ولی بتدریج در نقاطی متمرکز شدند و فقط سالی چند بار محل زندگی خود را تغییر میدادند این مردم نسبت به گذشتگان خود گامی فراتر در راه فعالیتهای اقتصادی برداشته و در کنار ابزار سنگی کار و شکار، از کاسه سنگی نیز استفاده کرده و اجساد مردگان خود را با همین اشیاء بخاک

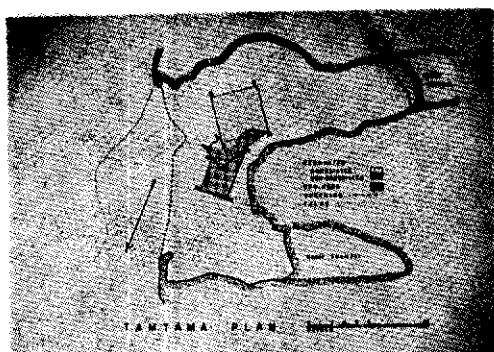
می سپردند. آثار زندگی این افراد تاکنون درغار و تپه های کمر بند هوتو، بیستون، مهارلو، خونیک، لاریز، تمتا، (تساویر ۹ و ۱۰) گنجه دره، تپه آسیاب و علی خوش پیدا شده است.^۷



تصویر ۱۰

مقطع غار تمتا

از کتاب کارلتون - س. کون ص ۱۹



تصویر ۹

غار تمتا - محل گاوشها و فضاهای دوغانه غار

از کتاب کارلتون - س. کون ص ۱۷

در نواحی فوق کم و بیش انسانهایی که حین کوچ در کلبه های يك اطاقی مدور و یا راست گوشه از سنگ و گل زندگی میکردند، گردآوری غذا را در سطح بهتری انجام میدادند ولی هنوز به مرحله اهلی کردن حیوانات نرسیده بودند^۸ در بعضی از نواحی فلات ایران و آسیای نزدیک در داخل غارها و یا پناهگاههای کوهها طرحهای

۷- مراجعه شود به ص ۳۹ کتاب Hrouda

۸- این نوع انسانها در بین النهرین درشانی در، زاوی چشمه، ملافاکات Mlaffacat و کریم شاه رود در ترکیه در بلدبی Beldibi و بلباشی Belbashi زندگی میکردند. ص ۳۹ - Hrouda

متعددی از گوزن و شکارهای دیگر نقش شده است^۹ که فرهنگ پارینه سنگی را نمودار میسازد.

فرهنگ پارینه سنگی را فقط هنر تشکیل میداد و در بوجود آمدن آن اراده بشری تأثیر بود. یعنی هنر جبراً بعنوان غریزه بشر مطرح میگردد زیرا کوچکترین سنگ برای بریدن گوشت تا تصاویر بزرگ همه بخاطر يك هدف اجباری بوجود می آمدند و آن تأمین حوائج اصلی زندگی بشر عصر پارینه سنگی بود. هنر دوره پارینه سنگی هنری است ناتورالیستی یعنی طبیعت گرا و باید به اساس مادی آن توجه داشت نه اثرات زیباشناسی آن زیرا طبیعت گرایی پارینه سنگی فقط به تأمین حوائج زندگی روزمره سازندگان آن توجه دارد. این ناتورالیسم بهیچ عنوان انعطاف ناپذیر نیست بلکه متحرك و زنده بوده و واقعیات را با واسطه های گوناگون نمایش میدهد .

در دوره پارینه سنگی هنوز زندگی اجتماعی شکل نگرفته و بشر درحد زندگی اندیویدوالیستی (فردگرایی) خود محتملاً به هیچ آفریدگار و زندگی پس از مرگ اعتقاد ندارد . دراین عصر تمام افکار بشر متوجه زندگی مادی است و هنر به چیز دیگری جز تأمین حوائج مادی بشر خدمت نکرده است . تمامی علامات و اشارات هنر عصر پارینه سنگی نشانه ای ازاینست که هنر درخدمت سحر و جادو بود . سحر و جادو درآن عصر فقط يك تکنیک ساده و يك روش عینی در راه رسیدن به هدف های اقتصادی و تصویر یکی از ابزار رسیدن به این هدف ها محسوب میگردد ، تصویر بمنزله دامی بود و نقاش دوره پارینه سنگی بوسیله تصویر حیوانات را

۹- در غارهای شبه جزیره سینا و درنواحی اطراف فلسطین ، در لرستان ایران (دقیقاً معلوم نیست که متعلق به کدام دوره ازعهد حجر می باشد) و در گوبوستان شوروی (تصاویر ۱۱ تا ۱۳)

تصاحب میکرد ۱۰ بنا بر این طبیعت گرائی غریزی است که هنر عصر پارینه سنگی را مشخص میگرداند. تمام فعالیت‌های انسانهای دوره پارینه سنگی بر روی دو قطب اصلی زن و شکار متمرکز گردیده و آنان را بخاطر تملکشان مجسم میکردند. ۱۱

۱۰- تصویر يك حيوان برای انسان عصر پارینه سنگی خود آن حیوان بود برای وی هنر و کپی نمودن حیوانات مطرح نبود وی هردوی آنها را نمیتوانست با هم درك کند (یعنی حیوان و تصویر آن را) بلکه او در تصویر خود حیوان رامی دید. مراجعه شود به ص ۵ کتاب

Arnold Hauser, Sozialgeschichte der Kunst und literatur. München, 1969.

۱۱- با وجود این نمی توان هنر عصر سنگ قدیم را صرفاً طبیعت گرا بدانیم زیرا :
۱- اغلب کارها اندازه طبیعی خود را ندارند یعنی گاهی به سوی تجرید برداشته شده است.

۲- نقش عناصر سه بعدی بر روی سطوح دوبعدی.

۳- صرف نظر کردن از حالت چند رنگی بودن طبیعی اشیاء یا حیوانات و نشان دادن آنها فقط توسط يك و یادو رنگ، این مسئله بخصوص برای عصر پارینه سنگی اروپا بیشتر صدق مینماید.

هنر پارینه سنگی غرب را در روی دو غار لاسکو و آلتامیرا متمرکز گردانده اند. غار لاسکو ۱۵۰۰۰ الی ۱۶۰۰۰ و آلتامیرا ۱۱ تا ۱۵۰۰۰ سال قدمت دارند. در این غارها نقاشی های با ارزشی مشاهده شده است. خالقین هنر پارینه سنگی غرب بدون شك خود نیز شکارچی بودند زیرا کسی میتواند حیوانات را تا این اندازه دقیق و صحیح ترسیم کند که خود با آنها دائماً محسوس باشد ولی این احتمال نمی رود که نقاشی تمامی وقت وی را گرفته باشد که از شغل گردآوری غذا کاملاً آزادش گرداند. در آن هنگام زندگی اقتصادی مردم غرب بر اساس «گردآوری» غذا قرارداد است بعضی از قرائن نشان میدهد در این هنگام احتمالاً تقسیم شغل ها نیز آغاز گردیده و یا لافل آنچه را که ماعنوانش را هنر میگذاریم برای خود رشته ای جداگانه شده بود.

هنر غرب نیز در خدمت سحر و جادو بود اشخاصی که این تصاویر را میکشیدند مسلماً بعنوان ساحر مورد احترام قرار میگرفتند و تا اندازه ای در آن اجتماعات پراکنده محل مخصوصی بخود داشتند و شاید تا اندازه ای هم از گردآوری غذا آزاد بودند زیرا يك انسان پارینه سنگی نمیتوانست هم غذا گرد آورد و هم این تصاویر را خلق کند این تصاویر چنان ماهرانه بوجود آمده اند که این بقیه پاورقی در صفحه بعد

بقیه پاورقی از صفحه قبل

فکر را بانسان تلقین مینماید که شاید در آن زمان مدارس هنری وجود داشته و شاگردان نزد استادان خود طراحی و رنگ آمیزی میآموختند . (مراجعه شود به ص ۲۰ کتاب A. Hauser) در هر حال اولین شغلی که در غرب بوجود آمد شغل هنرمند ساحر بوده است .

بشر پارینه سنگی غرب برای تجسم افکار خود به وسایل زیر دست آزیده بود :

- ۱- تندیس از خاک رس ، استخوان و سنگ
 - ۲- نقوشی که بوسیله استخوان حک شده است .
 - ۳- طرحهایی که بوسیله اثر انگشتان دست بوجود آمده است .
 - ۴- نقاشی بارنگهای متعدد در غارها و یا روی صخره ها .
- آثار عصر پارینه سنگی غرب در نواحی زیر تاکنون یافت شده و انسانهایی که در بعضی از این نواحی زندگی میکردند پدران اروپائیان امروزی هستند .
- ۱- فرانکو - کانتابری Franko Kantabri در ناحیه مرزی فرانسه و اسپانیا در این منطقه چهار مرحله زیر تشخیص داده شده است :
- الف - مرحله تکامل یافته پریگوردین Prigordian که در آن حیواناتی چون اسب آبی و بیزون Bison فقط با خطوط سیاه و یا قرمز مشخص گردیده اند . این طرحها ابتدائی ترین فرم هنر گرافیک یعنی آثار انگشتان بشر را نشان میدهد .
- مرحله بعدی این سبک بوسیله نقاشی مشخص میشود در اینجا خطوط بوسیله نقطه گذاری مشخص گردیده و در تمام فضای تصویر گسترش یافته است. این سبک نقاشی بیشتر در غار کوآلانا Covalanas دیده شده و در آن اغلب رنگهای زرد و قرمز و بندرت سیاه بکار برده شده است .
- ب - مرحله ماگدالنین Magdalenien این مرحله با خطوط بسته و پر کردن قسمتهای داخلی با رنگهای محلی آغاز میگردد (نمونه گاوهای غار آلتامیرا) .
- در اواسط مرحله ماگدالنین ، خطوط سست و مبهم گشته و بتدریج ناپدید میشود در اینجا تمام توجه هنرمند به قسمتهای داخلی معطوف میگردد و این همان مرحله معروف «امپرسیونیسم» عصر پارینه سنگی است (نمونه آن غار لاسکو که به نمازخانه سیستینه عصر پارینه سنگی معروف شده است) .
- مرحله آخر دوره ماگدالنین شاید از بین رفتن سطوح رنگی و بوجود آمدن نقاط رنگی در کنار یکدیگر است و بالاخره مراجعت خطوط و بالنتیجه از بین رفتن رالیسم و بوجود آمدن صورهندسی این مرحله را مشخص میگرداند .
- بقیه پاورقی در صفحه بعد

هنگام اختتام عصر پارینه سنگی و آغاز عصر نوسنگی^{۱۲} يك دوره انتقالی وجود داشت بنام عصر میان سنگی .^{۱۳} در این دوره هنوز اقتصاد براساس شکار و گردآوری غذا قرار داشت ولی بشر خود را آماده میساخت که بسوی تولید غذا گام بردارد ، در این عصر انتقالی چندان فعالیت نوظهوری انجام نگرفت و فقط از نظر هنری با طرحها و اشکال هندسی مواجه میشویم که بر روی استخوانها حک شده و بتدریج حرکت در آنها بوجود آمده است. آثار مربوط به میان سنگی بیشتر در غار کمر بند تپه آسیاب و گنجه دره مشاهده شده^{۱۴} و بیشتر مردم دوره میان سنگی در هوای ملایم و دره های سرسبز جنوب دریای خزر زندگی میکردند .

مسکن و هنر در عصر نوسنگی

اولین گام انقلابی بشر بسوی تمدن در قلمروئی برداشته شد

بقیه باورقی ازصفحه قبل

۲- اسپانیای شرقی یا گروه آلپرا Alpera در این محل نقاشی روی صخره انجام یافته است شکار و رقص و مبارزه موضوع اصلی را تشکیل داده و در پیکره های استیلیزه شده انسانی هم آهنگی نیز مشاهده میگردد .

۳- افریقای شمالی و جزایر مدیترانه: در این مناطق گروه های حیوانات با خطوط مبهم و طرحهای کلی نقاشی شده اند و شکار موضوع اصلی آنانست .

۴- اروپای شرقی : عناصر هندسی و بخصوص نقش تزئینی مثاندر Meaander موضوع اصلی هنر پارینه سنگی اروپای شرقی است . مراجعه شود

به Encyclopedia of world. Art. London, 1966 . Vol. XI P. 38-59.

۱۲- نئولیتیک Neolithic

۱۳- مزولیتیک Mesolithic

۱۴- در گوبوستان شوروی نزدیک دریای خزر ، در کردستان عراق ، در آنتالیا Antalya در ترکیه و همچنین در شمال شرقی سوریه نیز آثار مربوط به دوره میان سنگی مشاهده شده است . مراجعه شود به ص ۳۹ کتاب B. Hrouda

که بعدها سرزمین ایران نام گرفت . در فاصله زمانی مابین ۹۰۰۰ تا ۶۷۰۰ سال پیش از میلاد یکی از بزرگترین جهشهای تمدن بشری ، گذشتن از دوره زندگی طبیعی و شکارچی گری به دوره کشاورزی و گله داری یعنی از «گردآوری غذا» به «تولید غذا» برای نخستین بار بر روی فلات ایران انجام یافت .

در همین دوره بشر سکنی گزید . احتمالاً اهلی کردن حیوانات و تولید غذا و ساختن تك خانه ها در حدود ۹۰۰۰ پ.م آغاز گردید ولی اولین روستاهای واقعی در هزاره هشتم پ. م بوجود آمد .^{۱۵} در این عصر قاطع ترین گام در جهت انتقال از دوره شکار به دوره زندگی روستائی برداشته شد .^{۱۶}

پیدایش کشاورزی ، اهلی کردن حیوانات ، بافندگی ، وسائل حمل و نقل ، علم ، مذهب و طریقه خلق ساختمان همگی از فرهنگ نوسنگی الهام گرفت . آشنائی به اسلحه های دور زن مانند تیروکمان و قلاب سنگ و همچنین ساختن اشیاء ظریفی چون سوزن از استخوان و غیره همگی فرهنگ مردمی است که از زندگی سرگردان خود دست برداشته سکنی گزیدند و جوامع اشتراکی تشکیل دادند . در ابتدا کشاورزی بصورت دیم انجام میشد و باران نقش مهمی در این باره داشت سپس بتدریج تأسیسات آبیاری بوجود آمد . گندم و جو و بزرگ نخستین نوع غلات است که کشت گردید ، گوسفند و بز و سگ و گاو و خوک نیز جزو اولین حیواناتی هستند که اهلی شدند ، انسان های هوموساپین مؤسس این فرهنگ

۱۵- مراجعه شود به ص ۲۴ کتاب Hrouda و همچنین ص ۸۹ کتاب C. S. Coon

۱۶- فن دراستن آغاز دوره نئولتیک را در ایران از ۱۲۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ سال پیش میدانند مراجعه شود به ص ۱۳ کتاب

Hans Henning Von der Osten , Welt der Perser Stuttgart, 1956 .

هستند و در حقیقت بوجود آورنده اولین انقلاب بشری .^{۱۷}
 در عصر نوسنگی تمامی شالوده تمدن آینده ریخته شد و انسان فرمانروای زمین گردید . در این میان زن اهمیت بیشتری را در جامعه کسب کرد و نقش اصلی را در خلق مجموعه های مسکن و روستاها بعهده داشت . زیرا او بود که انواع حیوانات جوان را پرورش میداد و حتی غالب اوقات از شیر خود به حیوانات کوچکی میداد که مادرشان را از دست داده بودند . تخم گیاهان را میکاشت نهال درختان را غرس میکرد و بذر میپاشید . رام کردن حیوانات را فرهنگی میبایست و این فرهنگ ابتدا در طبیعت زن تبلور یافت زیرا وی توانست با صمیمیت و محبت و عشق ورزی غریزی خود آنچه لازمه اخلاق و آموزش و پرورش بود ناخودآگاه باطرافیان خود، خواه بشر ، حیوان و گیاه عرضه کند .^{۱۸}

زن همچنین راه بکار بردن بیل و چوب دستی را برای کند و کاو زمین تشخیص داده بوسیله کود دادن و هرس کردن گیاهان هرزه از باغچه مراقبت نمود و بالاخره این زن بود که نخستین سبدها را ساخت و نخستین چرخ کوزه گری را اختراع کرد .
 بدینوسیله زن در مرکز ثقل اقتصاد جدید قرار گرفت و روستا نیز ساخته و پرداخته فکر و دست او شد زیرا روستا مجموعه ای بود که در آن جمیع فعالیتهای فوق تمرکز مییافت .

زندگی ثابت در دهکده امتیازات فراوانی داشت و بتدریج انسان های متفرق به دهکده میگرانیدند وجود زن در هر قسمت از روستا یعنی در تولید ، درخانه ، درپرورش اطفال و مراقبت از آنان ، در کوره ، تنور ، آغل ، انبار و در تمام فضاهای داخلی خانه و همچنین فضاهای متعدد باز روستا احساس میشد لذا زن حاکم بود ، روستا در میان باغچه های سبز و کشتزارها شکل جدیدی از اقامتگاه

۱۷- مراجعه شود به ص ۲۸ کتاب B. Hrouda

۱۸- مراجعه شود به کتاب Luis Mamford City in the History

مشترک انسان و حیوان بود . زیرا بشر قبل از تشکیل روستا و هنگام تشکیل آن بسیار اجتماعی تر بود و به همه پدیده های طبیعت عشق میورزید . باید در نظر داشت که قبل از شهر، دهکده و روستا وجود داشت و قبل از روستا، غار و توده های سنگ و فضا های خالی درختان تنومند اجتماعی وجود داشت که در آن بشر بطور وضوح با سایر حیوانات شریک بود . بنا بر این روستا اجتماعی اولیه از خانواده ها و حیوانات و پرندگان و خانه ها، انبارها و اصطبلها بود که در آن کار روزانه بر اساس دو موضوع انجام میگرفت: تغذیه و تولید نسل، اهمیت امور جنسی در روستاهای اولیه حتی در ایجاد فضا های ساختمانی آنها نیز مؤثر بود .

نظری به بعضی از روستاهای کنونی^{۱۹} ایران این مطلب را

۱۹- اولین روستاها در خارج از خاک حالیه ایران بیشتر در نقاط زیر بوجود آمده اند .

الف - درکلات جارمو Qalat Jarmo در شمال شرقی عراق و همچنین در ناحیه ای در سمت غرب فرات مجموعه هایی از دوره تولید غذا مشاهده شده است قدمت این ناحیه بر اثر تجزیه های رادیو کربن به ۸۲۵۰ تا ۷۵۰۰ ق م رسیده است .

ب- در ترکیه در حاجیلر Hacilar مجموعه ای از ۷۰۰۰ پ.م و همچنین در چاتال هویوک Catal Hüyük مجموعه دیگری از ۶۲۵۰ پ.م مشاهده شده است که شواهد اقتصاد تولید غذا را مشخص مینماید .

پ - مجموعه ناتوفین Natufin در غرب فرات و نزدیک سواحل مدیترانه از اولین مجموعه های روستائی بشمار میرود که بعدها مبدل به شهر گشته است .
ت - در حدود ۵۷۵۰ پ.م ، اقتصاد تولید غذائی در اغلب نقاط آسیای میانه و حلف و حسونا و سامره ، ارید و عمومیت پیدا کرده و بهین نحو از نقاط ذکر شده از راه کرانه های دریای مدیترانه به اروپا رفته است .

ث - در دریاچه های سویس آثاری در دهکده های عصر نوسنگی مشاهده گردیده است در این دریاچه ها بر روی پایه های ساخته شده از چوب دهکده را بنا کرده بودند دهکده بوسیله پلی با خشکی ارتباط داشت و شاید بیشتر جنبه بقیه پاورقی در صفحه بعد

آشکار میدارد که از زندگی روستاهای اواخر دوره نوسنگی تاکنون چندان تغییراتی حاصل نشده است .

برتعداد حیوانات اهلی شده و همچنین به بذر و دانه های حبوبات اولیه چندان افزوده نگشته است و فضاهای داخلی افزایش یافته نیز نسبت به طول زمان ناچیز است . اگر تغییراتی درجهت موتوریزه کردن و اصلاح فرهنگ روستائیان انجام شد آنرا نباید بحساب روستاگذارد زیرا این تبلیغات فرهنگ شهری است که بروستا وارد گشته است در حقیقت شکل و طبیعت روستا از اواخر دوره نوسنگی تا بحال چندان تغییری نکرده و این فرهنگ زنانه در عین بکارتش بدوران ما منتقل گردیده است .

پیدایش کشاورزی و گله داری یعنی زندگی دهقانی اجباراً مسئله اسکان را مطرح ساخت و در حقیقت بر روی خاک ایران حالیه و بخصوص نواحی جنوبی آن يك فرهنگ روستائی مداوم از ابتدای دوره نئولیتیک تاکنون ملاحظه میگردد و این نکته از لوازم خانه سازی مانند نردبان و قرقره و چرخ و اهرم و پاشنه درکه از دوران مختلف باقیمانده هویدا است . بارانهای منظم زمستانی در بوجود آوردن هسته اصلی فرهنگ روستائی نقش اساسی را داشته و در نقاطی که این باران منظم میبارید اولین خانه های مسکونی بوجود آمد . مسکن از نخستین افکار بشر درمورد فضای بسته

بقیه پاورقی از صفحه قبل

دفاعی پیدا میکرده در بعضی خانه های ویران این دهکده آثار سنگی نیز بدست آمده ولی رویهم رفته تمامی بنا ازچوب بوده وسازندگان این دهکده نجاران ماهری بودند که میتوانند بخوبی ستونهای چوبی را بوسیله میخهای چوبی بپایه ها متصل سازند. آنان چوبهای مختلف ساختمان را بوسیله قطعات کوچکتر چوب بیکدیگر متصل میکردند تا استواری بنا تأمین گردد ، کف اطاقهای ساختمانهایشان گلی بوده و دیوارها از شاخه های نسبتاً ضخیم درختان ساخته میشد . سقف این اطاقها نیز ازکاه جگن و نی و پوست درختان پوشیده میشد .

سرچشمه میگیرد احتمالا انسانهای اوائل دوره نوسنگی که در ایران زندگی میکردند در معماری از طبیعت الهام گرفته‌اند.^{۲۰} انسانهای نئاندرتال و هوموساپین در ساختن کلبه‌های خود از لانه حیوانات و مرغان تا غار و شکاف کوهها را برای خود نمونه قرار دادند. آنان گاهی در تنه درختان زندگی میکردند و زمانی روی چند درخت کوتاه را بوسیله شاخه‌های درخت و علف و خزه پوشانده و بتدریج بر روی این شاخ و برگها گل ریخته و فضای بسته‌ای را بمنزله يك کلبه بوجود می‌آوردند، بدین گونه کلبه‌ها میتوان عنوان کوخ داد.^{۲۱} پس از کوخ اولین خانه‌های گلی مدور بوجود آمد، پائین ترین قسمت تپه سیلک کاشان^{۲۲} نمونه‌هایی از این خانه‌های مدور را مشخص میدارد.

۲۰- در این مرحله از زندگی بشر هنوز نمیتوان از معماری سخن گفت زیرا نباید به ساختن کلبه‌های گلی دوره‌های ابتدائی عنوان معماری را اطلاق کرد. معماری هنگامی آغاز میگردد که به بشر این فکر دست میدهد که محیط زیست خود را متناسب با موقعیت و حوایج زندگی خود هرچه بهتر و مطبوعتر گرداند.

۲۱- ویل دورانت جلد اول بخش اول ص ۲۳-۲۴.

۲۲- در طبقه اول تپه سیلک کاشان خانه‌های کاهگلی مدور بشکل لانه زنبور عسل مشاهده شده است در لایه دوم سیلک خانه‌های خشتی وجود داشته که دیوارهای آن با گل سرخ پوشیده بود در هردو لایه مردم سیلک مردگان خود را زیر کف اطاق دفن میکردند. مراجعه شود به صفحات ۹ تا ۱۶ کتاب Roman Ghirshman, Persia From the Origins to Alexander the Great.

نظیر مجموعه طبقه اول سیلک در یریکو در خاک اردن مشاهده شده که متعلق به ۷۰۰۰ پ. م است. یریکو که از قدیمترین شهرهای جهان محسوب میگردد نیز مانند سیلک در کنار چشمه آب قرار گرفته بود. خانه‌های یریکو اغلب مدور و خشتی است دیوارهای آن بتدریج بالا آمده و مایل شده و در وسط بوسیله ستونی نگهداری میگردد. سقف مدور این خانه‌ها که محتملا از فرم بقیه پاورقی در صفحه بعد

کلبه‌های مدور در اثر ازدیاد جمعیت و احتیاج مبرم به فضای وسیع مبدل به اطاق‌های زاویه‌دار شد و این زوایا بتدریج صورت قائم پیدا کرد. در گنجه‌دره کرمانشاه نمونه‌های بسیار جالبی از خانه‌های این دوره نوسنگی پیدا شد که کف اطاقهای آنها با گچ و خاک پوشانده شده بود.

چینه یکی از مهمترین پدیده‌های ساختمانی ایران است که از ابتدای موجودیت یافتن مسکن تا بحال از آن استفاده میشده است. در علی‌کش، چیاخزینه و گنجه‌دره و بسیاری از نواحی دوره نوسنگی دیوارهای چینه‌ای هنوز باقی مانده که روی آنها را بوسیله کاهگل برای استحکام بیشتر می‌پوشانده‌اند در علی‌کش^{۲۳} کف اطاق‌ها را بوسیله حصیر قیراندود می‌پوشاندند.

در اواخر مرحله اول عصر نو سنگی برای اولین بار در ساختمان فضای زیست انسان خشت مورد استفاده قرار گرفت آثار باقیمانده

بقیه باورقی از صفحه قبل

چادرهای بسیار قدیمی اقتباس شده بوسیله دیوار اطراف ستون فوق‌الذکر نگهداری میشد و بشکل لانه‌های زنبور در آن پنجره‌هایی ایجاد گشته بود. در مرحله‌های بعدی خانه‌های یریکو بشکل راستگوشه درآمده بود. این خانه‌های راستگوشه دارای ورودیهای پهن بوده و کف اطاق و دیوارهای آن بوسیله ماده سخت و برآقی که شاید همان گچ معمولی باشد پوشیده میشد مراجعه شود به تصویر ۲۰ از کتاب

H. W. Janson, History of art. New York, 1966 .

۲۳- علی‌کش در جنوب کوههای زاگرس و شمال خوزستان در ۱۳۰ کیلومتری اندیمشک در منطقه دهلران قرار دارد. در این منطقه کاوشهایی علمی در زمینه ارتباط بین کشاورزی قدیم و جدید ایران انجام شده است. در این کاوشها آثاری از گندم و نباتات مربوط به هشت هزار سال پیش از میلاد بصورت ذغال بدست آمده است در همین منطقه سنگ آسیا نیز جهت خرد کردن غلات و حبوبات و بعضی از نباتات کشف شده است. آثاری که در این بررسی علمی بدست آمده اغلب مربوط به ۹۰۰۰ تا ۷۵۰۰ سال پ. م بوده است.

علی‌کش و تپه گوران گواه براین مطلب است. ۲۴

در هزاره هشتم پ. م به مرحله دوم عصر نوسنگی یعنی مرحله اساسی انتقال از زندگی شکار و گردآوری غذا به مرحله تولید غذا یعنی کشاورزی و گله‌داری می‌رسیم. در این دوره مسکن بتدریج تکامل یافته و میتوان اکنون صحبت از خانه با ابعاد صحیح نمود و نه کلبه، خانه‌ها بتدریج چند اطاقی گردیده و محتملاً دارای پوشش گهواره‌ای بوده است. در این هنگام کاهگل مورد استفاده فراوان قرار گرفته و عناصر فضائی اجاق، بخاری و محل نگهداری آذوقه به فضای کلی خانه اضافه گردید، میوارهای اطاق‌ها اغلب برنگهای قرمز یا سفید تزئین یافته و از حصیر برای کف اطاق نیز استفاده فراوان می‌بردند مجموعه‌های تپه گرگان، تپه سراب و علی‌کش نمونه‌های جالب مسکن این دوره است.

بدین ترتیب نخستین نظر اجمالی بقدرت يك فضای محصور به دیوار که روح و فکر انسانی را تلقی پذیر و آماده تحول می‌سازد در ایران بوجود آمد. بشر از همین هنگام سعی کرد که مسکن را با احتیاجات عصر خود تطبیق دهد.

بشر بتدریج آموخت که سکونت، هنر ترتیب دادن و منظم نمودن

۲۴- مسلماً اولین مجموعه‌های خشتی که در این نواحی ساخته شد مربوط به ۷۵۰۰ تا ۶۷۵۰ پ. م می‌باشد در اواخر این دوره خشتها دارای ابعاد $10 \times 20 \times 40$ سانتیمتر بوده اند که رویشان کاهگل کشیده میشد. بعدها در علی‌کش در حدود ۶۰۰۰ تا ۵۶۰۰ پ. م سنگ بکار برده شد و دیوارها را قرمز رنگ کردند. (در فاصله مابین ۵۰۰۰ تا ۴۵۰۰ ق. م، درب‌های خانه‌ها روی پاشنه می‌چرخیدند و در ۴۵۰۰ تا ۴۱۰۰ خانه‌های راستگوشه با خشت‌هایی ساخته میشد که ابعاد آنها $10 \times 20 \times 50$ سانتیمتر بود. البته این قسمت مربوط به دوره کالکوکتیک است). در خارج از خاک حایه ایران برای اولین بار در تل بوکراس Burqas به بناهای خشتی برخورد نموده‌اند. مراجعه شود به ص ۴۰ کتاب B. Hrouda

محل زندگی و محیط زیست و یک مسئله اساسی روستا محسوب می‌گردد. بدین ترتیب سکونت از زمان موجودیت یافتن خود بهمان اندازه مهم بود که تغذیه انسانها اهمیت داشت فرهنگ مسکن به بشر آموخت که چگونه احتیاجات خود را در مقابل گرما و سرما و نگهداری چارپایان را در مقابل درندگان و خزندگان برطرف نماید. وجه اشتراکی که میان تمام شکل های مسکن از ابتدای موجودیت انسان تا کنون یعنی از غارهای طبیعی و خانه کوهستانی و خانه های صخره ای و خانه های متحرک کولیمها تا آسمان خراشها و ویلاها و پناهگاههای قطبی وجود دارد همانا برآوردن احتیاج انسانها است.

بدین جهت هر آنگاه که درباره سکونت فکر میکنیم در باره پدیده ای صحبت میداریم که با قدمت تمدن بشر ارتباط کامل دارد. از کوخها و کلبه ها بتدریج روستاهائی بوجود آمد که نمیتوانست دارای جمعیتی بیش از یک هزار نفر باشد کلبه ها بتدریج به تک خانه های ساده و مدور و بدون تأسیسات تبدیل گردید آنها نیز به خانه های راستگوشه چند اطاقی مبدل شد.

روستاها بتدریج دارای تأسیسات عمومی ساده ای گردید که فقط شبکه اولیه راهها یعنی کوچه های باریک را شامل میشد. گاهی اوقات يك فضای عمومی نسبتاً بزرگی که شاید بعداً میتوان آنرا میدان نامید نیز بروستا اضافه می‌گشت.

روستاهای ایران در اثر وسعت خود بتدریج در اواخر دوره نوسنگی بصورت مگااستراکچر^{۲۵} درآمد ولی هنوز دارای شبکه بندی های منظم نبود. این روستاها در حدود ۶ هزار سال پ. م در

۲۵- Mega Structure مگااستراکچر سطح وسیع پوشیده ای از ساختمانها که شهر نیست بلکه مجموعه ای از ساختمانهاست.

اغلب نقاط خاك حاليه ايران متفرق بوده و بتدريج شبكه‌های آن صورت منظم پيدا ميكرد تا اينكه پايه‌های اساسی جهت فرهنگ شهرى ايران آماده شود.

هنر در جامعه دهقانی بـعـكـس جـامـعه شـكـار بـسـوى نـظـم و سـكـون گـرايـيده و بـيـشـتر در خـدـمـت سـحـر و جـادـو در آـمـد . طـبـيـعـت گـرائـى در سـرـتـاسـر دـوره‌های پارینه و مـیـان سـنـگـى تـسـلـط دـا شـتـه و هـنـگـام اـنـتـقـال از آن بـه دـوره نـوسـنـگـى بـتـدـرـیـج تـغـیـیر یـا فـتـه اسـت . اـیـن نـخـسـتـیـن تـغـیـیر در تـاریـخ هـنـر بـشـر بـود . زـیـرا بـرای او لـیـن بـار «اراده هنرى» سبب خلق هنر گردید، یعنى پیروى از طبیعت بتدريج منسوخ و اجزاء آن به عناصر هندسى تبدیل گشت .

در همین زمان یعنى مرحله دوم دوره نوسنگى سفال کشف گردید . در گنجه دره در نواحى مرزى زاگرس در کنار ابزار تولید سنگى مقدارى نیز اشیاء سفالى یافت شده است.^{۲۶} علاوه بر آن غار کمر بند درمازندران و تل بوکراس در کنار فرات نیز دلائلى متقن بر صدق این گفتار است.^{۲۷} ابتدا سفال را در اشعه آفتاب خشك میکردند و بتدريج با کشف کوره سفال پزى آنرا شکل داده و درون کوره نماده و مى پختند .

در همین دوره است که بشر بتدريج پی برد که میتواند در ظروف سفالین غذا خورد و نوشابه آشامید . ظروف سفالین نقش بسیار مهمی در فرهنگ ساکنین فلات ایران داشت . سفال معیار تشخیص فرهنگ ملل مختلف است سفال گرى هنر محض است.^{۲۸} سفال مادر هنرهای دستی محسوب میگردد .

۲۶- مراجعه شود به ص ۴۰ کتاب B. Hrouda

۲۷- مراجعه شود به ص ۴۱ کتاب B. Hrouda

۲۸- «سفال هنر خالص است»

باستانشناسان بوسیله سفال زندگى ملتها را تجزیه و تحلیل میکنند .

بقیه پاورقى در صفحه بعد

صنعت سفال سازی یکی از ساده ترین و درضمن دشوارترین هنرهاست. ساده از اینجهت که بشر در مورد آن بیش از هر هنر دیگری

بقیه پاورقی از صفحه قبل

هنگامیکه سفال تغییر فرم و نقش میدهد، موقعیکه يك عنصر جدید، رنگ جدید و شکل جدیدی ظاهر میشود باستانشناسان تشخیص میدهند که يك دوره فرهنگی جدیدی پدیدار شده است. این تغییرات بیشتر با پیدایش عناصر جدید در زندگی مسکونی قدیمی يك محل یا يك ناحیه پیش می آید از اینجهت میتواند موقعیت ملتها را هنگام زدو خورد یا ایجاد صلح یا نقل مکان مشخص نماید. تغییر سفال همچنین تغییرات فرهنگی ملتها را نیز بازگو میکند.

برای مثال سفالهای تپه سیلک کاشان هنگام انتقال از دوره يك به دوره دوم سیر تکاملی خود را نمودار میسازد، زیرا سفالها در دوره دوم ظریف تر شده و رنگ اغلب قرمز آجری است و در ساختمان آنها مقدار کمتری کاه بکار رفته است.

نقوش ظروف سفالین دوره دوم تپه سیلک بیشتر شامل عناصر هندسی است که در یکدیگر آمیخته شده و شکلی از حیوانات را بوجود آورده اند برای مثال يك بزکوهی از دوخط منحنی که در مقابل یکدیگر قرار گرفته تشکیل شده است. مابین این خطوط را بطور عمودی هاشور زده و سپس بوسیله دو خط منحنی دیگر سرو شاخهای حیوان را مشخص کرده اند و اما در سومین دوره تپه سیلک اشکال طبیعی حیوانات بر روی سفال ها نقاشی شده است. در این هنگام هنرمندان ترجیح میدادند که شکل حیوانات را با عناصر هندسی افقی و عمودی مشخص سازند. همچنین عناصر خالص هندسی، چهارگوشها و سه گوشها و لوزیها نیز نقش شده اند.

در اواخر این دوره حیوانات شاخدار به تنهایی مابین محوطه های چهارگوش نقاشی میشدند علاوه بر آن نقوش انسانهایی با شانه های پهن و کمرهای باریک نیز طرح گردیده است سیر تکاملی تزئینات و شکل ظاهری سفالها سبب تغییر اصول فنی سفال سازی هم گردید مواد خارجی یعنی کاه و غیره از سفال حذف شد و آنرا فقط از گل رس می ساختند، سطح سفال را کاملاً صیقلی کرده و برای نقاشی آماده می نمودند، از طرفی کوره های سفال پزی رو به تکامل رفت و حرارتشان فزونی یافت در همین دوره چرخ سفالگری که یکی از مهمترین اختراعات بشری است کشف گردید و تولید آن فزونی یافت مراجعه شود به ص ۱۹ کتاب

Edith Porada, Alt-Iran, Die Kunst in Vorislamischer Zeit. Baden-Baden, 1962.

تمرین داشته است و دشوار از اینجهت که هنری است تجریدی و در شکل دادن بدان بهیچوجه از طبیعت تقلید نشده است . قوه ظرافت و احساس مردم هر سرزمین را میتوان با هنر سفالگری آنان سنجید . در نقوش ظروف سفالین هنر دوره نوسنگی منعکس گردیده است . هنرمند به طبیعت وفادار نمی ماند و جزئیات آنرا طرح نمیکند بلکه فقط بدان اشارتی دارد . بجای زندگی لمس شدنی هنر در این دوره سعی دارد به جوهر اشیاء پرداخته و بجای تصاویر مطابق طبیعت، نماد ها را بوجود آورد .

طرح های دوره نوسنگی اندام انسانی را فقط با دو سه خط هندسی مشخص میدارد يك خط عمودی برای بدن و دو خط منحنی برای دستها و پاها که یکی روبه بالا و دیگری روبه پائین تمایل دارد . يك مرد بوسیله يك اسلحه و يك زن بوسیله دو نیم گوی بر روی سینه مشخص میگردد یلند .

هنر سفالگری ایران در دوره نوسنگی تجریدی ترین هنر در نوع خود میباشد . این هنر تجریدی کاملاً از فرهنگ جدیدی که بر اساس تغییرات اقتصادی زندگانی انسانی بوجود آمده الهام گرفته است ، تغییراتی که دگرگونی فوق العاده در سرگذشت بشر بوجود آورده ۲۹ است .

تغییر زندگی اقتصادی از گردآوری غذا به «تولید غذا» گام بزرگ و انقلابی بود که انسان با رام نمودن حیوانات و تربت درختان ، گله داری و کشاورزی ، فتح و پیروزی خود را بر طبیعت آغاز نمود و بتدریج بر تقدیر بدو خوب مسلط گردید .

۲۹- در همین هزاره هشتم پ - م علاوه بر ابزار سنگی بتدریج پیکره های کوچک انسانی از خاک رس پخته بوجود می آید که نمونه مهم آن پیکر معروف به ونوس تپه سراب در شمال کرمانشاه است ، این ونوس (ص ۱۱ - Porada) و چند پیکره دیگر از بین النهرین و آسیای صغیر (گروه مجسمه ای از هاجیلار) حاکی از فرم اجتماعی مادر سالاری آن دوره است .

رفته رفته برای رفع حواشی زندگی فرمهای تشکیلاتی متعددی بوجود آمد انسان برای خود آذوقه پس انداز کرد و بدین نحو اولین شکل های سرمایه داری را پدید آورد با اشغال زمین ها و تملک حیوانات و اشیاء و آذوقه اختلافاتی در جامعه بوجود آمد که منجر به ایجاد طبقات استثمار کننده و شونده گردید. **تکامل جامعه از سر به لب**

از همین هنگام است که هنر هم بعنوان شکل و هم بخاطر علاقه مطرح میشود، کشاورزی و گله داری يك دوره ای بسیار طولانی بوجود میاورد که در آن انسانها نه تنها بخاطر شغلشان بلکه صرفاً بخاطر هنر دست بکار هنری میزنند زیرا کار کشاورزی در فصولی چند محدود است هنرمندان از زمستان طولانی میتوانند برای بوجود آوردن آثارشان استفاده نمایند از اینجهت هنر دوره نوسنگی دارای مشخصات دهقانی است. ۳۰

در این زمان کار بصورت متشکل درآمد و کار کردها تقسیم بندی گردیده و بالنتیجه شغل های مختلف و متعدد بوجود آمد. با این تغییرات عمیق آهنگ زندگی نیز تغییر یافت.

گروه های انسانی که از نقطه ای به نقطه دیگر کوچ میکردند اکنون جماعاتی را تشکیل میدهند که توطن اختیار کرده اند، بشر از پراکندگی و هرج و مرج بسوی تشکیلات و همکاریهای دسته جمعی اقتصادی بامنافع و وظایف یکسان گرائید یعنی انسان از سرگردانی و بی نظمی نجات یافته و مرکزیت ایجاد نمود تمامی شعور و حواس وی حول وحوش خانه، حیاط، کشاورزی، غله، گله داری و مقدسات مذهبی و معنویت گرد آمد.

بشردر دوره نوسنگی به معنویات گرائید و مسئله وجود روح وارد زندگی فرهنگی وی شد. آنی میسم (ایمان به روح) رواج یافت

۳۰- مراجعه شود به ص ۲۲ کتاب A. Hauser

و بدینوسیله خدایان ، مقدسین و الهه ها ظاهر گشتند و با آنها مراسم عبادت ، مراسم تشییع جنازه و بالاخره بنای گور و احداث گورستان آغاز گردید . بعضی از دانشمندان معتقدند که هنر مذهبی و معنوی در ردیف وظایف مردان و هنردنیوی در ردیف وظایف زنان بوده است .

مایین هنر مقدس اخروی و هنردنیوی جدائی افتاد در این هنگام است که دنیای مرئی مادی و دنیای نامرئی معنوی و بدن فانی و روح باقی مطرح گردید . اشیاء پیدا شده در قبور حاکی از اعتقاد بشر به جوهر روح است که هنگام مرگ از بدن جدا میشود . آنی میسم به دوئیت (دوآلیسم) اعتقاد دارد در دوره پارینه سنگی بشر فقط به زندگی خود مینگریست و فکر او فقط متوجه دنیای حاضر و جهان خود بود ولی بشر دوره نوسنگی به دو دنیا اعتقاد دارد و فعالیت های هنری وی نیز بر اساس همین اعتقاد قرار گرفته است .

هنر دوره پارینه سنگی اشیاء را بصورت واقعی و طبیعی خود نمایش میدهد در صورتیکه هنر دوره نوسنگی آنها را استلیزه و ایده آلیزه نموده است ، در همین هنگام هنر بسوی انتلکتوالیزم و راسیونالیزم رو می آورد ، یعنی هنر ادامه نمایش طبیعت نیست بلکه در مقابل طبیعت ، دنیائی ثانوی بوجود آورده که منجر به دوآلیسم شده است . دوآلیسم با آنی میسم بوجود آمد و از آن زمان تا کنون با صدها سیستم فلسفی متفاوت بیان گردیده و جزء لاینفک هنر محسوب گردیده است .

هنر گامناخ مدرسه لیپیه

عصر فلزات (کالکولتیک) (۶۷۵۰-۸۰۰ پ.م)

عصر فلزات هنگامی آغاز شد که بشر توانست فلز را بوسیله حرارت نرم و چکش خور گرداند این عصر در ایران از میانه هزاره

هفتم آغازگشته و تاهزاره اول پ. م ادامه یافته است.^{۳۱}

عصر فلزات را میتوان در دو دوره مشخص نمود :

۱- دوره اول عصر فلزات پیش از خط و کتابت و پیش از تاریخ که تقریباً مابین ۶۷۵۰ و ۳۰۰۰ سال پ. م قرار دارد .

۲- دوره دوم عصر فلزات که شامل آغاز پیدایش خط و کتابت و در حقیقت آغاز شروع تاریخ ایران نیز می باشد و حدود آن مابین ۳۰۰۰ و ۸۰۰ پ. م قرار دارد یعنی بدوره آهن ختم میگردد .

در تواریخ مدارس و دانشگاهها مورخین ما آغاز تاریخ را با آغاز بدست آمدن يك سند کتبی از اوضاع و احوالات ایران مشخص کرده اند.

قدیمترین سندی که مورخین و محققین بدست آورده بودند سندی است از قرن هشتم پیش از میلاد که طبق آن مادها با جنگجویان آسوری مصاف داده بودند مورخین ما این سند را مدرک قرار داده و نوشتند تاریخ ایران را باید از قرن هشتم پ. م آغاز کرد زیرا در این هنگام

۳۱- دوره کالکوکتیک (فلزات) را در ایران و بین النهرین بیشتر نسبت به محل کشف انواع سفالها میخوانند . برای مثال دوره تپه سیلک ، تپه حصار و شوش در ایران و دوره حسونا سامره و تل حلف در شمال بین النهرین، دوره اریدو و عبید و اوروک و جمدت نسر در جنوب بین النهرین ولی سفال رنگی اوائل عصر فلز در ایران بیشتر از نقاط دیگر کشف گردیده است .

در شمال بین النهرین ، سامره و تل حلف و قسمتی از نواحی جنوب و شرقی ترکیه نیز مقدار معتنا بیهی سفال رنگین بدست آمده است که مشخص کننده فرهنگ دوره کالکوکتیک میباشد . دوره کالکوکتیک شاید باید به اواخر دوره نئولتیک متصل گردد و از آنجائیکه سفال رنگین مشخص کننده آنست لذا میبایست حد اعلی دوره تکاملی دوره نوسنگی باشد ولی بعضی از باستانشناسان در تقسیم بندیهای خود سفال رنگین را منتسب به اوائل دوره فلز میدانند .

کشف فلز از گام های مهم پیشرفت اقوام ساکن فلات محسوب میگردد و اولین فلزی که در زندگی این مردم و بخصوص مردم نواحی جنوب شرقی ایران (کرمان - مکران) دخل و تصرف نمود مس بود .

مادها قدرت پیدا کرده و با آسوریها جنگیده‌اند و قبل از آن نیز سندی در دست نیست.^{۳۲} در صورتیکه بعقیده نویسنده تاریخ ایران را باید از هزاره سوم پ.م آغاز نمود. زیرا سندی که جنگ مادها و آسوریها را در قرن هشتم پ.م شرح میدهد قدیمترین سند مربوط به سرزمین ایران نیست .

یکی از مهمترین اسنادی که از بابلیمها درباره تاریخ سرزمین ایران باقیمانده از دوره سمرایلوئه پسر حمورابی است که مابین سالهای ۲۰۸۰ و ۲۰۴۳ پ.م در آسور سلطنت میکرد است در اسناد آسوری این زمان چنین اشاره کرده‌اند که مردم تازه واردی که احتمالا کاسی‌های کوههای زاگرس باشند، باعث دردسر فراوان پادشاه بابل گردیده‌اند و پادشاه بابل بازحمت فراوان توانسته بود آنان را از کوههای زاگرس بیرون راند .

در حدود سه قرن بعد یعنی در سال ۱۷۶۰ پ.م همین کاسیمها از کوههای زاگرس فرو آمده و شهر بابل را مسخر کرده بودند.^{۳۳} در جنوب غربی ایران سلسله پادشاهی ایلام دارای تاریخ مدونی است که از ۲۷۰۰ پ.م آغاز میگردد .^{۳۴}

علاوه بر مطالب فوق آغاز تاریخ را باید با آغاز اختراع خط و کتابت تطبیق داد ، زیرا اصولا کتابت است که سبب بوجود آمدن این اسناد میگردد. با کیفیات اخیر بنظر میرسد که اقوام ساکن نواحی

۳۲- تاریخ هند را نیز از دوره زندگی بوداها یعنی قرن هفتم پ.م آغاز مینمایند .

۳۳- مراجعه شود به کتاب سعید نفیسی دانشمندان در آریائی بودن کاسیت‌ها شك دارند ولی در هر حال آنان از اقوام ساکن حاشیه فلات ایران و کوههای زاگرس بوده‌اند .

۳۴- مراجعه شود به مقاله آقای عزت‌اله نگهبان کتیبه سنگی بزرگ بطول ۱/۷۵ متر در حفاری هفت تپه کشف گردید . اهمیت حفاری هفت تپه در تاریخ گذشته ایران ، مجله هنر و مردم شماره ۶۶ .

شرقی ایران نیز در حدود سه هزار سال پ.م در اختراع نوعی خط سهیم بوده اند.^{۳۵}

دوره اول عصر فلزات - عصر پیش از تاریخ و کتابت (۶۷۵۰-۳۰۰۰ پ.م)

انجام دوره نوسنگی نیز چون سرآغاز آن تقریباً همان اهمیت را در تغییر جهت زندگی اقتصادی و اجتماعی دارد در آغاز دوره نوسنگی زندگی اقتصادی از دوره مصرف محض به دوره تولید، از اندیویدوالیسم (فردگرایی) به کئوپراسیون (تعاون و همکاری گروهها) گرائید و پایان این دوره را آغاز بازرگانی و صنعت، ایجاد شهرها و بازارها، ازدیاد و اختلاف طبقاتی مردم مشخص گرداند. در اغلب نقاط فلات ایران زندگی روستائی بخاطر اقتصاد بسته، منفک و مجزای خود کاملاً مستقل مانده و از زندگی شهری و خلاقیت های فرهنگی آن دور ماند. تغییرات جدید زندگی بیش از همه در خدمت بازرگانی و صنعت قرار گرفته و سبب بوجود آمدن شهرها شد. رشد تمول و در اختیار آوردن زمین های حاصلخیز و محصولات آن در روستاها بدست تعداد محدودی از افراد سبب گردید که بقیه مردم سخت بجانب کارهای دستی و صنعتی روی آوردند. این روند تکاملی سبب تقسیم هرچه بیشتر شغل ها گشته و تعداد بیشتری مراکز شهری بوجود آورد، بتدریج کتان کاشته شد و سبب

۳۵- مراجعه شود به مقاله آقای علی حاکمی «کاوشهای حاشیه دشت لوت کشف تمدن پیش از تاریخ در خصیبص و شهداده هنرو مردم ۱۲۶ صفحات ۷۵ تا ۸۳. در ضمن باید توجه داشت که تاریخ جهانی نیز از منطقه ایران و بین النهرین آغاز میگردد در حقیقت در منطقه بزرگی از قاره آسیا و اروپا و همچنین شمال آفریقا و منطقه مدیترانه که شامل يك واحد عظیم فرهنگی میگردد تاریخ از حدود هزاره چهارم پ.م آغاز شده است.

بوجود آمدن پارچه‌های کتانی گردید ، سفال‌گری در کنار فلزسازی و سنگ تراشی تکامل یافت شکار هنوز معمول بود و در مواردی در اثر پیشرفت اصول فنی بازده افزون‌تر حاصل می‌آمد مهمترین وسیله شکار فلاخن بود که با آن سنگ پرتاب میکردند تیراندازی نیز بتدریج معمول گشت تیرها ابتدا از سنگ چخماق نوک تیز بود. عوامل پیکار چون گرز و تخماق را از سنگ میساختند این ابزار و آلات حرب گلابی شکل و دارای برجستگی‌هایی نیز بوده است .

اشیاء تزئین شده در خانه‌ها ساخته نمیشد بلکه این متخصصین بودند که آنها را ساخته و از فروش آنها در دکان‌ها و مغازه‌های شهر هزینه زندگی خود را تأمین مینمودند. انسان عصر فلزات ساکن فلات ایران بتدریج به زیور علاقمند میگردد، زیورها عبارت بود از گردن-بندهائی از دانه‌های عقیق ، صدف ، سنگهای آهکی ، لاجورد و شیشه که در اثر پیشرفت بازرگانی بخصوص سنگ لاجورد در نقاط متعدد فلات بدست آمده است .^{۳۶}

هنر و معماری

در عصر فلزات نیز بر روی اغلب نقاط ایران و در بین‌النهرین و نواحی شمالی آن^{۳۷} شکل تسلط کامل فرمانرواها و فشار اشکال مختلف و روز افزون مذهبی و سختی و خشونت خطوط اصلی هنر دوره نوسنگی هنوز باقیمانده و در کنار عناصر جدید زندگی شهری به کار بسته می‌شد .

هنرمند عصر فلز نه آن جادوگر (ماژی) دوره پارینه و میانه سنگی است

۳۶- مراجعه شود به کتاب سعید نفیسی ص ۸۰ الی ۸۵

۳۷- در اروپا ، عصر فلزات از حدود ۱۹۰۰ پ . م با عصر برنز آغاز گردید.

هنر عصر فلزات در غرب دنباله هنر دوره نوسنگی را گرفته و همان عناصر هندسی آن دوره را بکار برده است .

ونه آن علاقه مند به کارهای خانگی دوره نوسنگی، بلکه وی صنعتکاری است که سنگ می تراشد، ظروف سفالین را شکل داده و نقاشی میکند، خانه ها را رنگ میزند و مانند آن آهنگر و کفاشی است که تبر و کفش میسازد و قدر و منزلتش نیز از آنان بالاتر نیست.

مهارت و ظرافت و تسلط و دقت عملی که در بعضی از اشیاء قدیمی ملاحظه میگردد و بآن عنوان شئی هنری را میدهد، صرفاً اثر تقسیم شغلها و پدیدار شدن تخصص در زندگی شهری است که توأم با رقابت قدرت های هنری مختلف در مراکز فرهنگی شهر مانند معابد و یا مراکز حکومتی و درباری بوده است.

درباره شکل های معماری پیش از دوران کتابت درفلات ایران از روی مدارك قلیلی که در دست است نمیتوان اظهار نظر قطعی نمود همینقدر باید اظهار داشت که فضا های ساختمانی بیشتر با نقشه های چهار گوش و مربع مستطیل متصل به یکدیگر که حداکثر ابعاد آنها 4×6 متر است ساخته می شد^{۳۸}.

دیوارها اغلب از چینه و گاهی اوقات بر روی پایه های سنگی قرار میگرفت روی دیوارها کاهگل و بعضی اوقات سفید و قرمز رنگ میشده است. کف اطاقها نیز از گچ و خاک ترتیب می یافت. در موارد پیشرفته تر دیوارها از خشت هایی با ابعاد مختلف ساخته میشد. در مواقع الزامی دفاعی و بخصوص در اواخر این دوره در بعضی از قسمتهای دیوار باستیون بوجود آمده و یا برجهای متعدد در آن تعبیه میکردند، بطور کلی مصالح ساختمانی عبارت بود از خشت و سنگ و چوب که با در نظر گرفتن موقعیت های جغرافیائی متفاوت مورد استفاده قرار میگرفت. نحوه زدن سقف نیز ارتباط مستقیم با موقعیت جغرافیائی هر محل داشت. در نواحی گرم

۳۸- در چغامیش بنای مدوری بقطر ۱۱ متر با دیوارهای ضخیم ملاحظه گردیده که متعلق به دوره پیش از خط است.

از نوع پوشش مدور و درنواحی معتدل‌تر از نوع پوشش مسطح با چوب و پوشال و کاهگل استفاده میکردند^{۳۹}.

چگونگی شهرهای پیش از دوران خط در فلات ایران نشان می‌دهد که در زمینه حل کردن مسائل شهری گامهای موثری برداشته شده بود، در خانه‌ها از ناودان‌های سفالی جهت جاری کردن آب باران به کوچه‌ها و آبریزها استفاده میشد. در گذرها راه آب و فاضل آب‌ها را از آبرویا تمبوشه سفالین میساختند. چاههای آب متعدد بوده و دهانه‌های آنها برخلاف دهانه‌های مدور امروزی راست‌گوشه بوده است.

شهرهای دوره فلزات در فلات ایران پیش از کتابت با جمعیت متمرکز و زیاد آنها که تقریباً تمام طبقات مختلف را در بر میگرفت، همچنین با روح ضد سنتی اینگونه شهرها که از صفات مشخصه بازارهای آنها به شمار میرود و از طرف دیگر با وضع بازارگانی آنها که سبب آشنائی با دیگر ملتها و فرهنگ آنان میگردد میبایست در هر رشته از فرهنگ انقلاباتی ایجاد نماید بویژه بایستی در جهان هنر تحرك فراوان‌تری بوجود آورد و از فرم‌های سنتی و هندسی قدیمی دوری گزیند و سبکی آزاد بیافریند.

علمای تاریخ هنر و باستانشناسی غرب در باره سنت‌گرایی هنر

۳۹- زمانیکه در اشیاء و ظروف سفالین عصر فلزات در سه ناحیه شوش، تپه سیلک و تپه حصار یعنی نواحی جنوب و مرکز و شمال خاگ کنونی ایران مرور میکنیم فرهنگ بسیار پیشرفته‌ای را ملاحظه خواهیم نمود. مراجعه شود به ص ۷۲-۷۳ Hrouda زیرا فرم ظروف و ظرافت آنها، انتخاب نمونه و شیوه نقاشی آنها و همچنین معانی نمادی از این نقاشی‌ها گواه این گفتار است همچنین است در مورد اشیاء مسی تپه ابلیس کرمان. هنگام مقایسه اشیاء فوق‌الذکر با اشیاء همین دوره در بین‌النهرین باین نتیجه میرسیم که صاحبان اشیاء فوق دارای فرهنگ پیشرفته‌تری بودند. بنابراین میبایست دارای معماری پیشرفته‌تری هم باشند ولی متأسفانه این معماری هنوز زیر خروارها خاگ باقیمانده و تحقیق در مورد آن انجام نگرفته است.

شرق و بخصوص هنرفلات ایران و دوره‌های متفاوت بین‌النهرین و مصر بسیار غلو نموده‌اند. هنر پیش از تاریخ فلات ایران اگرچه تا اندازه‌ای سنت‌گراست ولی دارای تحرك نیز هست. تکامل آهسته و تدریجی هنر پیش از تاریخ فلات ایران و طول عمر جهت‌ها و جزئیات مختلف آن سبب می‌شود که اثرات تحرك زندگی شهری محدود گردد و بکندی موثر واقع شود نه اینکه بکلی بی‌تاثیر باشد این تکامل و گرایش تدریجی از سبکی به سبک‌دیگر گاهی قرن‌ها و یا شاید هزاره‌ها بطول می‌انجامد علمای تاریخ هنر و باستان‌شناسی غرب گاهی اوقات دچار اشتباهات فراوانی شده و ذات هنر پیش از تاریخ ایران و خطوط اصلی آنرا با ضوابط علمی تجزیه و تحلیل نمی‌کردند آنان این هنر را از دیدگاه جهان بینی‌های خاص خود مشاهده کرده و در آن فقط يك اصل سنت‌گرایی را تشخیص داده‌اند. در صورتیکه اگر عمیقاً و بادید عینی باین هنر بنگرند ملاحظه خواهد شد که در آن تباین ثبات و تحرك، محافظه‌کاری و جنبه‌های انقلابی فرم‌های سخت و ظریف و سکون و انفجار بخوبی تشخیص داده می‌شود. این هنر را باید درك نمود باید پشت حجاب ظاهری طرح‌های سخت و سنتی را نگریست و قوای زنده و متحرك سلیقه‌های مشخص و ناتورالیسم انتزاعی نیرومند این هنر را احساس نمود که از فیض وجود اقتصاد شهری اقوام بومی ساکن فلات ۴۰ مایه گرفته و فرهنگ ثابت دوره نوسنگی را در خود حل کرده است.

۴۰- اقوام بومی ساکن فلات ایران پیش از مهاجرت آریائی‌ان بشرح زیر

است :

در شمال شرقی سکه‌ها (سگساران) در مجاورت سکه‌ها طایفه گرگساران (محملاً هیرگانیان) در نواحی دریای خزر طیورها، امرتها، کادوسی‌ان و کاسپی‌ها که نام قدیم دریای خزر بوده است. در مغرب، کاسوها، یاخث‌ها، میتانی‌ها، گوتیان و لولوبیان در شمال غربی طایفه آناریکا در جنوب شرقی آنزان‌ها بقیه پاورقی در صفحه بعد

دوره دوم عصر فلزات آغاز تاریخ و کتابت تا عصر آهن (۳۰۰۰ تا ۸۰۰ پ . م)

ورود آریائی‌ان

دوره دوم عصر فلزات در ایران با آغاز تاریخ و کتابت و ورود آریائی‌ان به فلات ایران مشخص می‌گردد. آغاز مهاجرت آریائی‌ان را به فلات ایران مابین هزاره پنجم و سوم دانسته‌اند مسلم آنستکه آریائی‌ان در یک نوبت به فلات ایران نیامده‌اند بلکه مهاجرت ایشان تا اوایل هزاره اول پ . م ادامه داشته است. احتمالاً آریائی‌ان بدنبال زمینهای حاصلخیز و مناسب‌تر به دره‌های هند و فلات ایران روی آوردند . از آنجائیکه در تمدن آریائی‌ان هنوز وسائل دریانوردی و عبور از رودخانه‌های بزرگ فراهم نبود ناچار میبایست آنان از محلی عبور نمایند که اینگونه موانع بر سر راهشان نباشد. بنابراین باید اظهار داشت که آریائی‌ان فقط میتوانستند از سرزمینهای شرقی فلات ایران که چندان آب‌بر ندارد بایران و هند کوچ کرده باشند. قدیمترین آثار آریائی‌ان در ارتفاعات پامیر کشف شده بنابراین میتوان نتیجه گرفت که مهد نژاد آریائی در سرزمین پامیر بوده است.^{۴۱}

بقیه پاورقی از صفحه قبل

(انسانها) که از مؤسسين دولت ایلام بودند در سواحل خليج فارس زنگيان
سیاه پوست که هنگام هجوم آریائی‌ان به افريقا پناهنده شدند در جنوب شرقی
طوايفی بنام‌های پاریکانی ، گادروسی و موکی (مکران از این نام گرفته است) .

مراجعة شود به کتاب مرحوم سعيد نفیسی ص ۱۵ الی ۲۰

۴۱- دانشمندان و محققین مهد نژاد آریا را در نواحی مختلف جهان ذکر کرده‌اند.
از سواحل دریا‌های شمال اروپا تا دریای سیاه و استپ‌های روسیه و آسیای
مرکزی را به نشونمای این نژاد نسبت داده‌اند . بنظر میرسد که عاقلانه‌ترین
بقیه پاورقی در صفحه بعد

هنگامیکه آب و شرایط زندگی در پامیر سخت شد، آریائیان بجنوب هجرت کردند و در دامنه جنوبی پامیر بدودسته بزرگ تقسیم شدند. دسته‌ای بمشرق رهسپار شدند و از دره سند و پنجاب به هندوستان عزیمت کردند، ایشان بنام آریائیان هندی موسومند. دسته دیگر رو بمغرب آورده و از راه آسیای مرکزی و صحرای قراقرم یادشت خاوران سابق وارد ایران امروز شدند و بعدها تاخلیج فارس پیش رانندند^{۴۲} شعبه دیگر از آریائیان بنام سکه‌ها، دریای خزر را دور زده از طریق کوههای قفقاز در شمال شرقی و شرق و جنوب اروپا جای گرفتند.

آریائیان هنگام ورود بایران نام خود را به این سرزمین داده و آنرا ایران خواندند.^{۴۳}

بقیه پاورقی از صفحه قبل

محل نشوونمای آریائیان همان ارتفاعات پامیر باشد که مرحوم سعید نفیسی با در نظر گرفتن مطالعات دانشمندان روسی عنوان کرده است بعقیده سعید نفیسی آریائیان در هزاره چهارم پ.م به ایران رسیدند و به سه شعبه تقسیم گردیدند پارت‌ها در شرق و شمال شرقی و قسمتی از مرکز فلات و مادها در شمال غربی و مغرب و پارسها در جنوب مستقر گردیدند، بعقیده اینجانب پارسها ابتدا در مغرب مستقر گردیدند و در اوائل هزاره اول پیش از میلاد به جنوب ایران مهاجرت کردند این نظریه را بخاطر وضعیت مسکن و معماری پارسی بیان میدارم و دلایل خود را هنگام بررسی معماری پارسها ذکر خواهم کرد.

۴۲- ظاهراً آریائیان در اولین هجرت خود بایران ازسند و باختر عبور نموده به مرو و نسا و کابل آمده و از آنجا برخج و هیلمند (هیرمند) و سیستان و تاکنار دریاچه هامون پیش رفتند. دریاچه هامون که در آن زمان بسیار بزرگتر از امروز بود، مانع عبور آنان شد و آریائیان بناچار بطرف شمال و مغرب روی آورده و به خراسان و اطراف دماوند، شهریار، ری و نواحی مرکز فلات ایران آمدند مراجعه شود به کتاب سعید نفیسی

۴۳- مراجعه شود به مقدمه جلد اول کتاب اسناد مصور اروپائیان از ایران تألیف نویسنده این مقاله.

ظاهراً درخت انگور واسبران نیز آریائی‌ان با خود به سرزمین ایران آورده اند .

مهاجران آریائی در اوائل با مقاومت سخت مردم بومی فلات که فرهنگ بزرگی داشتند مواجه شده و در آنان حل گردیدند ولی مهاجران بعدی در حدود هزاره دوم پ . م^{۴۴} بالاخره توانستند پس از زدوخوردهای طولانی با طوایف بومی ، گروهی از آنان را دست نشانده خود کرده و گروهی دیگر را در خود مستهلک نموده و یا آنان را نابود گردانند . آنان افراد بومی باقیمانده را از خود پست تر دانسته و کارهای دشوار و پست را به آنان می سپردند که در نتیجه امتیازات طبقاتی و نژادی تشدید گردید و گروههای متعدد بردگان بوجود آمد .

بتدریج هزارها خانواده‌های پراکنده متمرکز شدند و اساس اجتماع دوره کالوکتیک ایران را تشکیل داده و قویترین خانواده‌ها بر دیگران مسلط گردیدند و اعضای خانواده‌ها برای اینکه از خطرات احتمالی محفوظ باشند قهراً سرنوشت خود را بدست ریش سفیدان خود سپرده و یک نوع ریاست و حکومت روحانی که بایکدیگر توأم بود برای آنان قائل گشتند این نوع حکومت‌ها بتدریج موروثی گردید^{۴۵} و هرناحیه از ایران بخاطر موقعیت طبیعی خود یعنی کوههای بلند و دشت‌های فراخ، صنعت و بازرگانی مستقلی داشتند و در نتیجه حکومت مستقلی بوجود آمد . این آبادیهای دور از یکدیگر تآمدتهای مدید مانع برقراری رابطه بازرگانی و صنعتی در میان همه نواحی ایران گردید و بهمین جهت است که تشکیل دولتهای بزرگ که نتیجه استقرار روابط اقتصادی در میان همه نواحی

۴۴- مراجعه شود به ص ۴۸ کتاب R. Fry, Persien München, 1962

۴۵- مراجعه شود به کتاب سعید نفیسی (اول) ص ۱۲۶

است دیرتر از کشورهای دیگر در ایران امکان پذیرفت .
 در ایران شهرهای بزرگ پس از تشکیل اینگونه دولتها بوجود آمد و بیش از آن مردم در شهرهای کوچک زندگی میکردند که آثار آنها بشکل تپه‌های کوچک متعدد هم اکنون در سراسر ایران ملاحظه میشود. در سرزمین خوزستان که در آن رودخانه‌های بزرگ جاری است و بیشتر از نواحی دیگر ایران آب داشت قهراً آبادیها بیکدیگر پیوسته بود. بدین سبب ایلامی‌ها توانستند اولین دولت بزرگ را در ایران تشکیل دهند. ایلامی‌ها پس از آنکه از راه جنوب بین‌النهرین وارد خوزستان شدند کوههای لرستان را در شمال مقابل خود یافتند. این کوهها مانع پیشروی آنان بشمال شد و ایلامی‌ها نیز به ناحیه خوزستان قناعت کردند.^{۴۶}

در دوره فلزات هنوز مدار زندگی اقوام ساکن فلات ایران عناصر و نیروهای طبیعت بود و چون هیچگونه وسیله‌ای برای جلب عوامل سازگار طبیعت مانند حرارت ، آب ، خوراک و یا ازدیاد چارپایان مفید و از طرف دیگر وسیله‌ای برای دفع عوامل ناسازگار طبیعت چون سرما، تاریکی، یخبندان، باد و درندگان و خزندگان نداشتند، معتقد به پرستش عوامل سازگار طبیعت برای جلب نفع آنان و همچنین عوامل ناسازگار طبیعت برای دفع ضرر آنها بودند بهمین جهت از یکطرف آتش، آفتاب، ماه، ستارگان، آسمان، باران، آبها، رودها، دریاها، چشمه‌سارهای طبیعی، بهار، پائیز، درختان سایه افکن و بارور و حیوانات مفید مانند گاو و شتر و اسب و سگ و کبوتر و مرغان نغمه‌سرا را می‌پرستیدند و از طرف دیگر به پرستش عوامل زیانکار مانند تاریکی، ابر، رعد ، باد، صاعقه، زمستان،

۴۶- مراجعه شود به کتاب سعید نفیسی ص ۶۴ الی ۷۶

دولت ایلام قدیمیترین دولت در جنوب ایران و بین‌النهرین بوده و از همان ابتدای حکومت پادشاهی و سیستم استبداد داشته است .

تابستان ، جانوران زیان‌کار چون مار ، عقاب ، کرکس و گرگ می‌پرداختند .

مردم عصر فلزات ایران با این اعتقادات خود دو نتیجه می‌گیرفتند یکی اینکه از عوامل مفید طبیعت بهره‌مند شده و از طرف دیگر از عوامل مضر در امان بودند، بدینوسیله مذهب ارباب انواع پیدا شد و برای هر عامل مفید و مضر خداوندی تعیین گردید. با پیشرفت این مذهب بعدها برای احساسات و مشاعر مهم مفید و مضر انسانی نیز خدایانی قائل شدند.^{۴۷}

هنر و معماری دوران تاریخی ایران، یعنی هنر ایران از هزاره سوم پ.م را بمناسبت وسعت فراوانش از یکطرف و تنوع فرم‌هایش از جانب دیگر نسبت به قلمروهای مختلف ایران تقسیم و بتدریج تاریخ هنر هر قلمروئی را جداگانه در مقالات آینده تجزیه و تحلیل خواهیم کرد.

۴۷- مراجعه شود به کتاب سعید نفیسی ص ۲۵ .



تصویر ۱۱

نقاشی صخره اصلی غار میرمیلاس - دیالی

(عکس از مجله مرزهای نو)



تصویر ۱۲

جنگجویان و حیوانات وحشی که در روی

غار هما یون نقاشی شده است



تصویر ۱۳

نقاشی صحنه شکار آهو که در غار میرمیلاس کشف شده است

جدول پیشنهادی برای دوره نوسنگی فلات ایران

محل	۱۰۰۰-۹۵۰	۹۵۰-۹۰۰	۹۰۰-۸۵۰	۸۵۰-۸۰۰	۸۰۰-۷۵۰	۷۵۰-۷۰۰	۷۰۰-۶۵۰	۶۵۰-۶۰۰
خونیک								
لاریز								
معدلو								
غارهار								
قید سواب								
گنجینه								
قید گران								
واورغازی								
مالمان								
کوبوتا								
حول آباد								
کارافتو								
چغانفید								
علی کش								
بزموره								
زاوری چشمه								
قید آسیاب								
چغانیش								
قویس بانایط								
کول قلعه								
قید عبدالحسین								
مرو دشت								
میر میراوس								
سرموخس								
مارپام								

استال از گوداوری محذا به گریه محذا

خونیک، قید گران، قید سواب، قید گران، قید سواب، قید گران، قید سواب، قید گران، قید سواب

کارافتو، قید سواب، قید گران، قید سواب، قید گران، قید سواب، قید گران، قید سواب

علی کش، قید سواب، قید گران، قید سواب، قید گران، قید سواب، قید گران، قید سواب

زاوری چشمه، قید سواب، قید گران، قید سواب، قید گران، قید سواب، قید گران، قید سواب

قید آسیاب، قید سواب، قید گران، قید سواب، قید گران، قید سواب، قید گران، قید سواب

چغانیش، قید سواب، قید گران، قید سواب، قید گران، قید سواب، قید گران، قید سواب

قویس بانایط، قید سواب، قید گران، قید سواب، قید گران، قید سواب، قید گران، قید سواب

کول قلعه، قید سواب، قید گران، قید سواب، قید گران، قید سواب، قید گران، قید سواب

قید عبدالحسین، قید سواب، قید گران، قید سواب، قید گران، قید سواب، قید گران، قید سواب

مرو دشت، قید سواب، قید گران، قید سواب، قید گران، قید سواب، قید گران، قید سواب

میر میراوس، قید سواب، قید گران، قید سواب، قید گران، قید سواب، قید گران، قید سواب

سرموخس، قید سواب، قید گران، قید سواب، قید گران، قید سواب، قید گران، قید سواب

مارپام، قید سواب، قید گران، قید سواب، قید گران، قید سواب، قید گران، قید سواب